

مقاله پژوهشی

تحلیل جایگاه گذرهای تاریخی در ساختار فضاهای عمومی شهر (مورد مطالعاتی: گذر در خونگاه تهران)

حامد عابدینی*

پژوهشگر دکتری معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه خاتم، تهران، ایران.

سیمون آیوازیان

استاد گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه خاتم، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۰۲ تاریخ قرارگیری روی سایت: ۱۴۰۱/۰۴/۰۱

چکیده اجزای شهر سنتی ایرانی، ساختاری هماهنگ و منسجم، برآمده از مفاهیم مختلف را در برمی گرفتند. شبکه گذرها، از مهم‌ترین عناصر ارتباطی این شهرها بوده که علاوه بر پیونددهی بین بخش‌های مختلف بافت، زمینه حضور و فعالیت‌های متنوع ساکنین محله را ایجاد نموده و جایگاهی مهم در حوزه همگانی شهر داشته‌اند. مواجهه سازمان فضایی و حیات جاری در این گذرها با تحول محتوایی و کالبدی شهرها، مسئله‌ای قابل توجه است. بر همین مبنا هدف از این پژوهش، مطالعه جایگاه گذرهای تاریخی در نظام ساختاری فضاهای عمومی شهر است تا با استخراج عوامل مؤثر بر آن، چگونگی عملکرد این عنصر در ساحت همگانی و جمعی شهرهای امروز را مورد تحلیل قرار دهد. این پژوهش با نگرشی کیفی و با روش توصیفی و تحلیلی انجام گرفته و با مطالعه کتابخانه‌ای و اسنادی به بررسی مفهوم و ویژگی‌های گذرهای تاریخی و مؤلفه‌های فضای عمومی مرتبط با آن می‌پردازد. این مؤلفه‌ها شامل: دسترسی و حرکت، سلسله‌مراتب، سکون، تضاد و تابین، تحرک و تنوع، اختلاط کاربری، انعطاف فضایی و پیوستگی است. سپس با روش تحلیل کالبدی-فضایی، برهم‌کنش عوامل در محدوده مطالعاتی گذر در خونگاه بر اساس مدارک تصویری و مشاهدات میدانی آن، بررسی می‌شود. فضای عمومی گذر در خونگاه از طریق سازمان‌یابی مبتنی بر نظام مراکز محله و وجود شاخصه‌های بارزی نظیر: ابنیه تاریخی، گشایش‌های فضایی، کاربری‌های قدیمی و چیدمان آن‌ها، شکل یافته است. با واکاوی این گذر در زمینه‌های مطالعاتی نظیر: سازمان فضایی شهر، رابطه جز و کل، ارتباطات مفصلی و تحلیل مؤلفه‌ها، کیفیت‌های مؤثر آن بر فضای عمومی شهر تبیین گردیده است. این کیفیت‌ها شامل: ارتباط کالبدی و نسبت معنایی فضای عمومی، هویت‌بخشی به فضای عمومی و تعادل‌بخشیدن به فضای عمومی و کارکرد عناصر کالبدی گذر در تبیین فضای عمومی است که می‌تواند مبنایی جهت توسعه آتی گذر، ارتقای فعالیت‌ها و تعاملات اجتماعی و حل مسائل و معضلات کالبدی آن باشد.

واژگان کلیدی | گذرهای تاریخی، حیات شهری، فضای عمومی، تحلیل کالبدی-فضایی، محله سنگلج، گذر در خونگاه.

جایگاهی تعیین‌کننده دارند. این نظام، بازتاب‌دهنده مردمی است که در آن‌ها زندگی کرده (مارشال، ۱۳۹۵، ۱۳۰) و تعامل میان عناصر سازمان‌دهنده و مفهومی آن، بر شکل و نظم شهری اثرگذار بوده است. شهرهای تاریخی ایران یکی از این مصادیق است که با اندام‌هایی نظیر مرکز، ساختار، قلمرو (لبه) و کل‌های کوچک (محلات) (منصوری و دیزانی، ۱۳۹۵)

مقدمه | فهم زیربناهای موجود و قابلیت‌های در دسترس، از مهم‌ترین ارکان مداخلات و برنامه‌ریزی‌های شهری و معماری است. از این‌رو اجزا و عناصر اصلی که ساختار کالبدی فضایی شهر را در روندی تکاملی شکل داده‌اند، در هر خوانش شهری

گذر و جایگاه آن در شهرهای ایران صورت گرفته، این پژوهش از نوع کیفی و توصیفی-تحلیلی، با رویکرد تحلیل ساختار کالبدی-فضایی است. این روش تحلیل، ترکیب فضایی، توصیف ویژگی‌های آن و تعامل و رابطه دوجانبه فضای باز با بخش ساخته شده را مورد بررسی قرار می‌دهد، تا بتواند به درجات متعددی از جزئیات برسد (شوالباخ، ۱۳۹۵، ۹۲-۹۶). در همین راستا، با مطالعه کتابخانه‌ای، مفهوم و ویژگی‌های گذر، و مؤلفه‌هایی که به ماهیت عمومی آن معنا می‌بخشند، تبیین شده که اساس تحلیل نمونه مطالعاتی گذر درخونگاه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین گذرهای تاریخی شهر تهران در بستر محله سنگلج است. بررسی ویژگی‌های کالبدی با مراجعه به نقشه‌ها و مطالعه میدانی وضع موجود گذر درخونگاه صورت گرفته تا با بهره‌گیری از آن‌ها، مفاهیم مستتر در نظام کالبدی و معنایی گذر و کیفیت‌های مؤثر آن بر فضای عمومی، مورد تحلیل قرار گیرند.

پیشینه پژوهش

بخشی از پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه مطالعه شهرهای تاریخی ایران به بررسی مفهوم، چگونگی پیدایش، کارکرد و ویژگی‌های گذر با اهداف مختلفی نظیر مرمت شهری، ارتقای کارکردهای جمعی، فرهنگی و اقتصادی، گونه‌بندی ساختاری و مطالعات تاریخی آن پرداخته‌اند. حاجیان (۱۳۹۸) با تحلیل محتوای نقشه‌های تهران قاجاری و تفسیر داده‌های متنی، شناخت عنصر گذر در این بستر را دنبال کرده است و آن را عرصه‌ای برای باهم زیستن، مواجهه و احساس اهل محلی بودن در قالب مجموعه‌ای از فضاهای یکپارچه، مرکز محله، محله و واحدی برای مدیریت شهر معرفی می‌کند. شعله و یوسفی مشهور (۱۳۹۸) نیز با تأکید بر عاملیت تشخیص بخش گذر به بافت‌های تاریخی، از طریق ویژگی‌های کالبدی فضایی نظیر: جهت جغرافیایی، چیدمان عناصر، شکل، کاربری‌ها، تناسبات فضایی، سطوح جانبی و... گذرهای تاریخی را دسته‌بندی و گونه‌شناسی کرده است. بخشی از این خصوصیات را نیز سلطان‌زاده (۱۳۹۲) در بررسی خود در رابطه با جایگاه راه‌ها در بافت‌های تاریخی، از منظر کارکردی و کالبدی ارائه کرده است. حمزه‌زاده، مختاری و بیگ بابایی (۱۴۰۰) تأثیر ارزش‌های بصری ابنیه تاریخی مجاور را بر گردشگری گذر تاریخی مطالعه کرده و تأکید بر ارتباط بصری مخاطب و فضای درون گذر دارد که با ارزش‌های بصری و کالبدی گذر (نظیر: شکل، اندازه و مقیاس، تناسبات، نحوه دید به گذر و زاویه دید) تبیین می‌یابد. فارسی، شاهپوندی و ناسخیان (۱۳۹۹) اصول حاکم بر گذرهای تاریخی را به‌عنوان عصاره خیابان‌سازی ایران قدیم استخراج و دسته‌بندی می‌کند. این پژوهش از نقطه نظر مفاهیم طراحانه به گذر نگرسته و سعی دارد عوامل برساننده آن را نظیر کاربری،

مجموعه‌ای شهری را شکل داده و به‌واسطه شبکه‌ای فضایی شامل مرکز شهر، مراکز محلات، گذرهای اصلی و میدان، استخوان‌بندی و انتظام فضایی بافت‌های آن (اسمعیلیان و پورجعفر، ۱۳۹۲، ۶۵) انسجام یافته است. ارتباط به‌عنوان اساسی‌ترین مفهوم شهری و جاری در تمام قواعد و اصول، در این شهرها شکلی خوانا به خود گرفته و پیوندی روشن میان مرکز شهر و مراکز محلات از طریق گذرهای اصلی (توسلی، ۱۳۸۲، ۳۷) استوار شده است.

این گذرهای تاریخی با وجود آنکه عنصری خطی با نقش ظاهری معبر و محل تردد روزانه بودند، اما به جهت کارکردهای جانبی نظیر فعالیت‌های تجاری، مذهبی، اجتماعی و تفریحی و همچنین ادراک مخاطبین از فضای آن، در نظام محله و شهر اهمیت یافتند. بر همین اساس از حوزه خطی خود فراتر رفته، تأثیری مهم بر بافت هم‌جوار گذاشته و بدل به مؤلفه هویتی آن محدوده شده‌اند؛ لذا با محلات شهری و روابط درونی آن‌ها هم‌پیوند شده و زمینه فعالیت‌های جمعی و حیات مشترک ساکنین را فراهم آورده است. گذرها از طریق برقراری تعامل با شهر، روح شهرنشینی را درون محله جاری کرده و نمودی از فضای عمومی را متجلی ساخته‌اند که نقش اجتماعی و فرهنگی مهمی را در شهر و محله ایفا می‌کرده است (محسنی و زمانی‌فرد، ۱۳۹۸، ۷۷). این فضای عمومی به‌مثابه رکن اجتماعی شهر، باز نمودی از حرکت در فضا است که اجتماع‌پذیری را تسهیل کرده و کیفیت محیط شهری (مدنی‌پور، ۱۳۹۶، ۲۰۸) را با ماهیت خود ارتقا می‌دهد.

استمرار حیات مدنی جاری در گذرهای تاریخی و تطبیق آن با شهرهای امروز نیازمند بررسی مواجهه این گذرها با تحولات ساختاری شهرهای معاصر و شناخت صحیح نسبت به نقش آن‌ها در فرایند شکل‌گیری فضاهای عمومی و حافظه تاریخی شهر است؛ تا اهداف کالبدی و اجتماعی این عنصر شهری مورد توجه قرار گرفته و موضعی مناسب نسبت به کنش آن در قلمرو همگانی شهر اتخاذ گردد. از این‌رو هدف این پژوهش مطالعه ویژگی‌های گذر و مؤلفه‌های فضای عمومی مرتبط با آن است، تا این مجموعه از عوامل را در گذر درخونگاه که با مشخصه‌های فراوان، نقش مهمی در حیات فرهنگی و اجتماعی تهران عصر قاجار ایفا می‌نموده است، مورد واکاوی قرار دهد. پیرو آن، این پرسش‌ها مطرح می‌شود که ویژگی‌های گذرهای تاریخی و مؤلفه‌های فضای عمومی در نسبت با آن چیست و ارتباط آن‌ها چگونه تبیین می‌شود؟ گذر تاریخی درخونگاه چگونه به‌مثابه یک فضای عمومی در نظام ساختاری و فضایی شهر امروز عمل می‌نماید؟

روش تحقیق

با خوانشی تکاملی نسبت به آنچه تاکنون در ارتباط با مفهوم

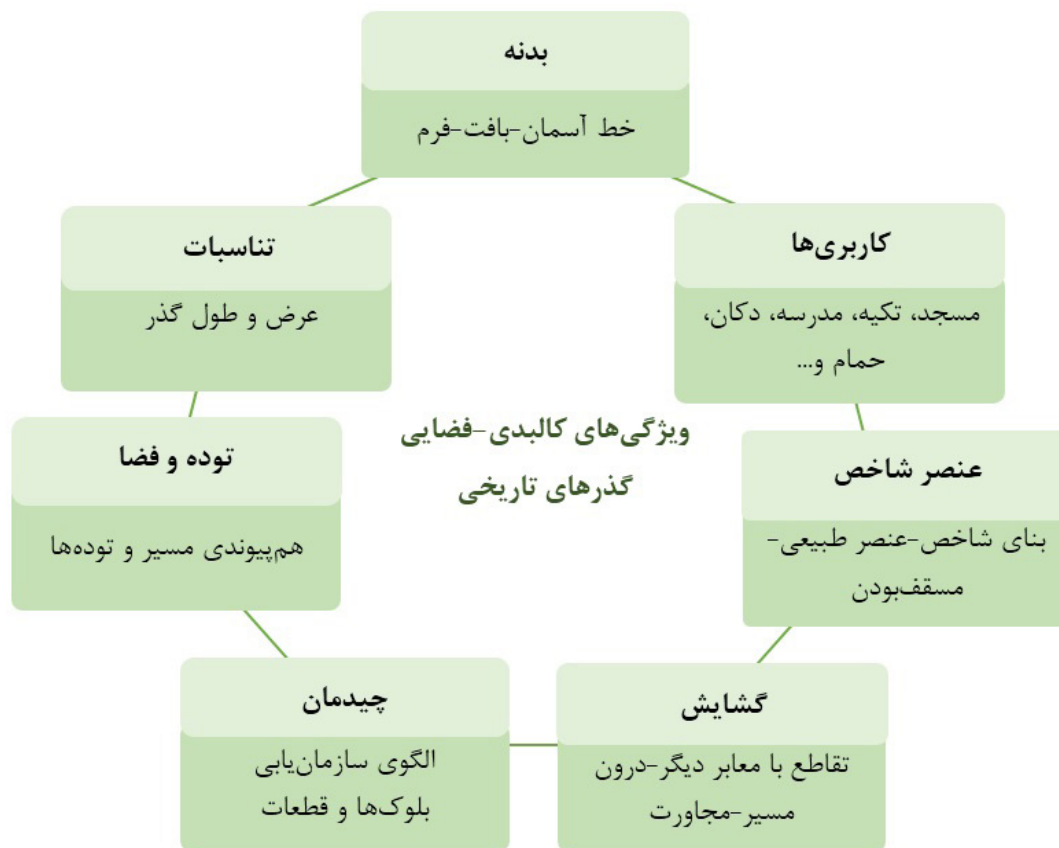
کالبدی شکل‌دهنده آن‌ها (توسلی، ۱۳۸۲، ۳۷) موجب ایجاد تفاوت‌های ساختاری و معنایی با دیگر معابر شده است. تعریف لغوی گذر، معبر، جاده، راه شاه، گذری فراخ (دهخدا، ۱۳۷۷) و کانون مرکزی محله‌های قدیم، مانند سر چهارراه‌ها یا مراکز دکان‌ها و قهوه‌خانه‌ها (معین، ۱۳۸۶، ۱۴۳۷) است. از نقطه نظر کالبدی-فضایی، گذرهای تاریخی، شبکه هم‌پیوند راه‌ها، شاکله بافت (شعله و یوسفی مشهور، ۱۳۹۸، ۸۳) و استخوان‌بندی محله بوده که سایر عوامل در اطراف آن استقرار می‌یافته است (حبیبی، ۱۳۸۲، ۳۴). گذرها ضمن ایجاد پیوند فضایی در بافت شهر، انسجام فضایی و هویت متمایز را با ویژگی‌ها و کیفیت‌های منحصربه‌فرد خود ارائه داده (پویان، قنبران و حسین‌زاده، ۱۳۹۹، ۷۲) و پیوستگی و سلسله‌مراتب فضایی (پیراولیا و سهیلی، ۱۳۹۶، ۳۸) را در محله جاری می‌ساختند. از منظر اجتماعی، گذرها مکانی برای تهیه مایحتاج روزمره و رفع نیازهای اهالی بوده (حاجیان، ۱۳۹۸، ۱۴۲) که به‌عنوان راسته محله شناخته می‌شدند و مکانی جهت تردد تمامی ساکنان و بستری برای تعاملات اجتماعی فراتر از حد همسایگی (پاکزاد، ۱۳۸۶، ۲۱۶) آن‌ها بوده‌اند، لذا تأثیر بسزایی بر ایجاد پیوند میان شهروندان و محیط اطرافشان داشته و زمینه گذران اوقات فراغت و فعالیت‌های جمعی و عمومی را فراهم می‌کرده‌اند (تساویر ۲ و ۳).

اقلیم، مقیاس انسانی، مشارکت شهروندی و تناسب حجم و توده واکاوی کند. پویان، قنبران و حسین‌زاده (۱۳۹۸) نیز مشخصه‌ها و ویژگی‌های فضایی تأثیرگذار گذر بر ادراک هویتی مخاطب و عوامل شاخص‌شدن، ماندگاری و جذابیت آن را تحلیل کرده‌اند. داعی‌پور (۱۳۹۲) اشاره به نشانه‌ها و عناصر کالبدی شکل‌دهنده به بدنه گذرهای تاریخی دارد و پیراولیا و سهیلی (۱۳۹۶) گذر را از منظر فضای بینابین در مقیاس میانی که میان فضای شهری و معماری پیوستگی ایجاد می‌نماید، مورد خوانش قرار داده است. یزدانفر (۱۳۹۳) نیز به مطالعه ویژگی‌های کمی و کیفی گذر در سه حوزه کالبد، عملکرد و معنا پرداخته است. در مجموعه این مطالعات رابطه گذر با شهر عموماً بر منطق ادراکی، نظام کالبدی فضایی و ویژگی‌های آن، مطرح است. این پژوهش سعی دارد تا با تغییر این زاویه نگاه، گذر را در نسبتی با شبکه فضاهای عمومی و در اتصال با آن بنگرد. همچنین بر اساس تصویر ۱ مجموعه‌ای از ویژگی‌های کالبدی فضایی گذر در راستای اهداف این مطالعه، از تحقیقات پیشین استخراج شده است.

مبانی نظری

• گذر

سبک زندگی جاری در گذرها و همچنین عناصر فیزیکی و

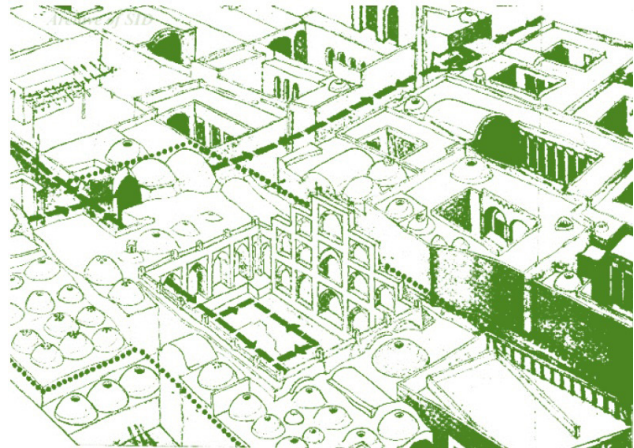


تصویر ۱. ویژگی‌های کالبدی-فضایی گذرهای تاریخی. مأخذ: نگارندگان، بر اساس تحلیل مطالعات پیشین.

۱۳۹۶، ۲۰۵)؛ همچنین محل تبلور ماهیت زندگی جمعی (برخوردار، زارع و مختاباد امرئی، ۱۳۹۹، ۱۹) و عامل تقویت تعاملات جمعی است (Cao & Kang, 2019, 188). این فضاها شامل تمامی بخش‌های شهر هستند که مردم به آن‌ها دسترسی فیزیکی و بصری داشته (تیبالدز، ۱۳۸۷، ۱) و الگوهای مختلف فضاهای تجمع در شهر همچون: ورودی‌ها، گره‌ها و میادین، مسیرها، خیابان‌ها، پلازاها، پارک‌ها، زمین‌های بازی، سیتی هال‌ها، مال‌ها و سایر فرم‌هایی جمعی (چرخچیان و دانشپور، ۱۳۸۸، ۵۶) را شامل می‌شوند. فضای عمومی موفق در بردارنده مؤلفه‌هایی چون دسترسی، کالبد مناسب، منظر، تنوع فعالیت، جامعیت، امنیت، تعامل اجتماعی، اجتماع‌پذیری، آسایش و راحتی است (شجاعی و پرتوی، ۱۳۹۴، ۹۶) و با آن‌ها سنجیده می‌شود.

• مؤلفه‌های فضای عمومی

فضای عمومی را حوزه‌ای میان‌دانشی قلمداد می‌کنند که در جریان پیوسته بر ماهیت فیزیکی و اجتماعی شهر تأثیر گذاشته و از آن تأثیر می‌پذیرد. لذا مؤلفه‌ها و ویژگی‌های ساختار کالبدی، جمعی و معنایی آن نیز بسیار متنوع بوده و وابستگی زیادی به شیوه قرارگیری در شهر، نحوه عملکرد با اجتماع و درنهایت روش مطالعه آن دارد. بین اجزای تشکیل‌دهنده شهرهای تاریخی وابستگی تنگاتنگی با فضاهای باز وجود دارد و بافت شهر به‌اندازه کافی فشرده بوده، به‌طوری‌که امکان پیاده‌روی در مسیرهای کوتاه فراهم می‌شود (تیبالدز، ۱۳۸۷، ۲۱). ارتباط یکی از مهم‌ترین قابلیت‌های فضای عمومی است که بر روند تعامل و حضور افراد تأثیر بسیار دارد و درنهایت اساس موضوع فضای عمومی می‌گردد (همانند خیابان پیاده‌محور و محلی). این فضاها عمده‌ترین مکان‌های عمومی یک شهر و اصلی‌ترین ارگان‌های حیاتی آن هستند (جیکوبز، ۱۳۹۸، ۳۹) که منطق این تحقیق نیز از آن نشئت می‌گیرد. از این‌رو توجه این پژوهش معطوف به مؤلفه‌های مرتبط با کارکرد ارتباطی-جمعی فضاهای عمومی است که مفهوم گذر در آن‌ها نمود می‌یابد. فضاهای شهری دربرگیرنده چهار عنصر اساسی شامل ساکنان یا عابران، عناصر انسان‌ساخت (کالبدی یا فعالیت)، روابط (میان افراد و عناصر یا میان عناصر) و زمان (شیخی و رضایی، ۱۳۹۶، ۸۵) بوده و کیفیت محیطی آن از برآیند «کالبد»، «فعالیت» و «تصورات» (گلکار، ۱۳۸۰، ۵۳) حاصل می‌شود. تاکنون پژوهش‌های بسیاری در این راستا صورت گرفته است (گلکار، ۱۳۸۰؛ تولایی، ۱۳۸۱؛ حبیبی، ۱۳۸۲؛ لنگ، ۱۳۸۴؛ پاکزاد، ۱۳۸۵، ۱۳۸۶؛ دانشپور و چرخچیان، ۱۳۸۶؛ تیبالدز، ۱۳۸۷؛ لینچ، ۱۳۹۴؛ چپمن، ۱۳۹۴؛ توسلی، ۱۳۹۵؛ گل، ۱۳۹۶؛ مدنی‌پور، ۱۳۹۶؛ جیکوبز، ۱۳۹۸؛ شیروانی، ۱۳۹۸؛ Bentley, 1985; Trancik, 1986؛ Carr, Francis, Rivlin. & Stone, 1992, Cao



تصویر ۲. ارتباط فضایی میان عناصر مرکز محله و گذرهای اصلی، محله کوشکنو یزد. مأخذ: توسلی، ۱۳۸۲، ۳۸.



تصویر ۳. گذر، ساباط و میدانچه‌ای در میان. مأخذ: داعی‌پور، ۱۳۹۲، ۴۶.

• فضای عمومی

فضاهای عمومی از اصلی‌ترین فضاهای شهری هستند که حیات مدنی در آن‌ها جریان می‌یابد. این فضاها عرصه حضور مردم و پاسخی به نیازها و خواسته‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی آن‌ها (حبیبی و پورمحمدرضاء، ۱۳۹۲، ۷) و کالبد سه‌بعدی دموکراسی (Taipale, 2009, 77) هستند. فضای عمومی مانند «زمینی مشترک» بستر فعالیت‌های آیینی و کارکردی است که یک اجتماع را به هم پیوند داده (Carr, 1992) به نقل از اشرفی، پوراحمد، رهنمایی و رفیعیان، ۱۳۹۳) و یکی از اجزای اصلی زیرساخت‌های روابط اجتماعی است که شکل‌گیری گروه‌ها را میسر می‌کند (مدنی‌پور،

عمومی از طریق نظم سلسله‌مراتبی که مجاورت عرصه‌های شهری را تعیین می‌کند، تعریف می‌شود.

- تحرک و تنوع

حیات یک فضای عمومی در گرو پویایی و تحرک آن است. گذرها به‌مثابه شریان‌های شهری، به‌واسطه نحوه حرکت و محرک‌های محیطی احساسی از پویایی را برای شهروندان ایجاد نموده، آن را از حالت جابه‌جایی صرف خارج (پاکزاد، ۱۳۸۶، ۱۲۸) و موجب درگیری ذهنی مخاطب با محیط می‌شوند. این امر از طریق تنوع نظام بناها و کاربری‌ها (تیبالدز، ۱۳۸۷، ۲۴) میسر می‌شود و سبب می‌گردد تا افراد بتوانند به مقتضای شرایط خود در مکان حضور داشته (Lennard & Lennard, 1993) به نقل از چرخچیان و دانشپور، ۱۳۸۸، ۶۰) و از آن استفاده کنند.

- سکون

فضای عمومی که تنها تحرک در آن غالب باشد، در نسبت با اجتماع به‌درستی عمل نمی‌کند. لذا در برخی از حوزه‌های عملکردی، سکون در راستای بروز برخی از رفتارها و فعالیت‌های جمعی و فردی اهمیت می‌یابد و ضرورت‌های کالبدی را ایجاد نموده تا از سرعت عابر کاسته شده و درنهایت خود آن مسیر بدل به یک مقصد و فضای تأمل شود. این ویژگی با امکاناتی از فضای عمومی در جهت القای احساس سکون صورت می‌گردد. نظیر: نشستن، حضورپذیری، استراحت و آرامش ذهنی (پاکزاد، ۱۳۸۶، ۴۳). وجود چنین فرصت‌هایی، راه را برای فعالیت‌های بی‌شماری هموار کرده که جاذبه عمده فضاهای عمومی بوده (گل، ۱۳۹۶، ۲۰۱) و فرصت مشاهده رویدادها و کیفیت‌های محلی و مشارکت را فراهم می‌کند.

(Kang, 2019) که با واکاوی آن‌ها مؤلفه‌های ساختاری فضای عمومی در نسبت با گذرهای تاریخی و با توجه به تعریف، کارکرد و جایگاه آن‌ها در شهر، مستخرج شده و در تصویر ۴ آمده است.

- دسترسی و حرکت

گذرهای تاریخی نقش مؤثری در تحقق دسترسی در بافت‌های شهری به‌عنوان یکی از مشخصه‌های فضای عمومی دارند. دسترسی به معنای پذیرابودن افراد (Carr, 1982, 158) به نقل از چرخچیان و دانشپور، ۱۳۸۸، ۶۷) و دستیابی آسان است که بر حضور مردم در فضا تأثیر بسزایی دارد (شجاعی و پرتوی، ۱۳۹۴، ۹۹). فضای عمومی عرصه‌ای است که بدون توجه به ویژگی‌های فردی قابل‌دستیابی بوده و عاری از موانع، برای دسترسی آزادانه به روی عابران باز است (تیبالدز، ۱۳۸۷، ۵۹-۶۰). در یک معبر سهولت و امنیت حرکت پیاده اولویت اصلی است (پاکزاد، ۱۳۸۶، ۲۲۹) و شرایط مطلوب برای حرکت در فضاها (گل، ۱۳۹۶، ۱۶۷) و دسترسی یکنواخت (لینچ، ۱۳۹۴، ۳۶۲) ضروری است.

- سلسله‌مراتب فضایی

وجود عملکردها و فضاهای متفاوت شهری و رابطه بین اجزای مختلف آن، نیازمند هماهنگی و ارتباط صحیح است. انتقال از قلمرویی به قلمرو دیگر به‌صورت آنی و بدون ایجاد شرایط لازم روانی و کالبدی مطلوب نبوده و نیازمند سلسله‌مراتب جهت برقراری اتصال میان پدیده‌های متضاد (طیبیان، چربگو و عبدالهی‌مهر، ۱۳۹۰، ۷۴) است. در این راستا مسیر سکانس‌بندی شده و فعالیت‌ها با ریتم مناسب و همخوان با کالبد مستقر می‌شوند (پاکزاد، ۱۳۸۶، ۲۲۱). ماهیت فضای



تصویر ۴. مؤلفه‌های فضایی عمومی در نسبت با ساختار کالبدی فضایی گذرهای تاریخی. مأخذ: نگارندگان.

- توالی فضایی

مطلوبیت فضاهای عمومی بوده که وجود آن جهت انتظام ذهنی برای درک کلیت فضا ضرورت دارد. وجود تصویری خوانا، داشتن الگوهای قابل تشخیص از بلوک‌ها و فضاهای شهری، همراهی شکل و محتوا و ترکیب توده و فضا (یگانه و بمانیان، ۱۳۹۴، ۴۰۸) از مشخصه‌های آن است. این هماهنگی و پیوستگی میان اجزای فضا و فعالیت‌های آن‌ها سبب می‌شود که شهرها در نگاه ناظر به شکل یک کل منسجم از اجزا جلوه نموده (اسمعیلیان و پورجعفر، ۱۳۹۲، ۶۵) و در ارتقای کیفی آن تأثیر گذارد.

محدوده مطالعاتی**• محله سنگلج**

محله سنگلج یکی از پنج محله تاریخی تهران در زمان حصار طهماسبی است که با وجود تغییرات فراوان، بخش مهمی از شاکله اصلی آن تا به امروز حفظ شده است. این محله یکی از آبادترین، بزرگ‌ترین و پرجمعیت‌ترین محلات بوده که تکایا، حمام‌ها و گذرهای شناخته‌شده‌ای درون آن قرار داشته است (نجفی، ۱۳۸۶). این اجزا به همراه سایر عناصر مهم شهری نظیر: ریزمحلات، دروازه‌ها، بازارچه‌ها و ابنیه مهم، سازمان کالبدی-فضایی آن را تشکیل می‌دادند. امروزه این محله یکی از ۱۳ محله منطقه ۱۲ شهر تهران است که در ناحیه ۳ واقع شده (تصویر ۵) و محدوده آن از شمال به خیابان پانزده خرداد، شرق به خیابان خیام، جنوب به خیابان مولوی و از غرب به خیابان وحدت اسلامی منتهی می‌شود (مهندسین مشاور باوند، ۱۳۸۵). گذرها همواره از ارکان مهم ساختار کالبدی-فضایی محله سنگلج بودند. مهم‌ترین گذرهای باقی‌مانده، در محله سنگلج که استخوان‌بندی و ساختار شبکه حرکتی آن را تشکیل می‌دهند، یکی گذر شرقی-غربی بازارچه معیر (کارکن اساسی)-قوام الدوله (طرخانی) و دیگری گذر شمالی-جنوبی درخونگاه (اکبرنژاد، جودانی، مغفوری) است (ظریف خرم‌دل آزاد، ۱۳۸۸، ۱۳۱). شبکه معابر و گذرهای محله سنگلج و استخوان‌بندی آن در تصویر ۶ ارائه شده است.

• گذر درخونگاه

گذر درخونگاه از گذرهای تاریخی و قدیمی محله سنگلج است که در نقشه‌های کرشیش (۱۲۷۵ ه.ق) و عبدالغفار (۱۳۰۹ ه.ق) قابل مشاهده است و تا به امروز ساختار خود را حفظ کرده است (تصویر ۷). موقعیت این گذر از تکیه درخونگاه تا کوچه قوام الدوله بوده است (معمدی، ۱۳۸۱، ۱۹۰). این گذر قسمت شمالی محله سنگلج را به دو بخش تقسیم کرده که در حال حاضر در ناحیه شمالی، به نام کوچه اکبرنژاد و در جنوب به نام کوچه امیر مغفوری نام‌گذاری شده است. گذر درخونگاه ساختاری خطی، ارگانیک، تدریجی و عبوری دارد که جداره اصلی آن محل قرارگیری عناصر شاخص محلی است

از ویژگی‌های مهم معابر شهری، توالی آن‌هاست که باعث ایجاد ادراکات متفاوت در عابر بیننده می‌شود (غفاری، ۱۳۷۱، ۲). بسیاری از فضاهای عمومی به‌جای ارائه مسیری مستقیم و طولانی به مخاطب، مسیرهای کوتاه به شکلی که از میدانی به میدان دیگر عمل کرده و به مراحل قابل کنترل تقسیم می‌شوند (گل، ۱۳۹۶، ۱۸۲). کنتراست فضایی یکی از نمودهای اصلی این توالی است که به‌واسطه آن، فضاهای باریک به میدانگاه‌ها و گشایش‌های فضایی ختم می‌گردند.

- تضاد و تباین

وجود تفاوت از نظر خصوصیات عرض، طول، ارتفاع و عناصر و اجزای محصورکننده از یکنواختی فضاهای ارتباط‌دهنده می‌کاهد (توسلی، ۱۳۶۹، ۶۲). این مؤلفه در یک فضای شهری از طریق نحوه به‌کارگیری و ترکیب رنگ، بافت، شکل و سبک، سازه و مصالح و... آن فضا به وجود می‌آید (پاکزاد، ۱۳۸۵، ۱۴۰). بهره‌گیری صحیح از این مشخصه، موجب ایجاد تنوع، سرزندگی و دلپذیرشدن محیط می‌شود (ارباب زادگان هاشمی و رنجبر، ۱۳۸۸، ۵۵-۵۶).

- اختلاط کاربری

ترکیب کاربری‌های تجاری (خرده‌فروشی، اداری و تفریحی) و کاربری غیرتجاری همانند مسکونی (اسمعیلیان پور، کارآموز و فخارزاده، ۱۳۹۴، ۸) توانایی انتخاب را جهت زندگی، کار، تفریح، خرید و حتی خلوت در یک منطقه واحد (تیبالدز، ۱۳۸۷، ۲۳) فراهم می‌آورد. یک کاربری اصلی برای تأثیر محرک بیشتر، نیازمند ترکیب مؤثر با کاربری اصلی دیگری است که مردم را در زمان‌های مختلف به خیابان می‌کشاند (جیکوبز، ۱۳۹۸، ۱۷۲) که افزایش سرزندگی محلات شهری و تبدیل فضاهای عمومی به مکان‌هایی برای ملاقات مردم (اسمعیلیان پور، کارآموز و فخارزاده، ۱۳۹۴، ۲) را به همراه دارد.

- انعطاف

فضاهای عمومی بایستی پاسخگوی نیازهای متنوعی که به‌واسطه شکل‌گیری شیوه‌های جدید زندگی، وجود فرهنگ‌ها و ارزش‌های متفاوت و نیز تنوع در نگرش‌ها و بیان‌شان پدید می‌آیند، باشد (استقلال، اردشیری و اعصاب، ۱۳۹۵، ۲۴۶). فعالیت‌های پیاده امری پیچیده و متنوع است چراکه غیرقابل پیش‌بینی، گاه هدفمند و گاه اتفاقی و آنی صورت می‌گیرد. انعطاف این امکان را به فضا می‌دهد که با تغییر نوع رویداد با کمترین تغییرات کالبدی با آن هماهنگ شده و محیط، امکان پذیرش رخدادهای مورد توقع آن‌ها را دارا باشد (پاکزاد، ۱۳۸۵).

- پیوستگی

داشتن پیوستگی و انسجام یکی از اصلی‌ترین معیارهای

بحث و یافته‌ها

• واکاو و ویژگی‌های گذر درخونگاه

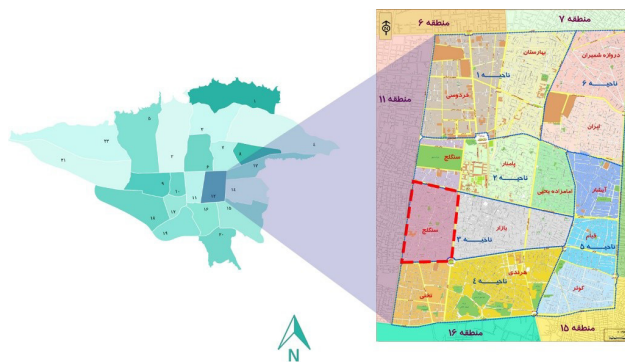
بررسی ویژگی‌های کالبدی-فضایی گذر درخونگاه با توجه به کارکرد عمومی متفاوت قسمت‌های مختلف آن (مسیر و مراکز محله)، در دو بخش مجزا صورت می‌گیرد. بخش اول معطوف به ساختار کلی گذر است که عناصر آن در یک مجموعه به هم پیوسته و در هماهنگی با یکدیگر، دربرگیرنده ویژگی‌های مشترکی هستند. این دسته از ویژگی‌ها شامل: چیدمان، تناسبات، بدنه و توده و فضاست (جدول ۱). بخش دیگر ویژگی‌ها شامل: کاربری‌ها، عناصر شاخص و گشایش است که در نسبت با مراکز محله و فضای باز شهری به‌عنوان نقاط عطف و ریز فضاهای عمومی گذر درخونگاه، مورد مطالعه قرار گرفته‌اند (جدول ۲). با وجود آنکه طرحی از پیش تعیین شده جهت شکل‌گیری گذر درخونگاه و فضاهای وابسته به آن، وجود نداشته است اما ارتباطات فضایی و زیست جاری در آن موجب پیدایش مجموعه‌ای از معانی شده که در سازمان کالبدی-فضایی گذر جاری است. از این رو، بررسی صورت‌گرفته بر مبنای ویژگی‌های گذر درخونگاه اساس مواجهه با مبحث فضای عمومی آن قرار گرفته تا این مفاهیم مستتر، استخراج شود.

• وجه ساختاری گذر و ارتباط متقابل ویژگی‌ها

گذر به‌عنوان مؤلفه ساختاری سازمان فضایی شهر شناخته می‌شود که عامل ایجاد ارتباط کالبدی و نسبت معنایی در شکل‌گیری و درک کلیت شهر است (ابرقویی فرد و منصور، ۱۴۰۰، ۲۷). این مؤلفه با برقراری نسبت میان اجزا، روابط کالبدی و انسانی شهر را تنظیم می‌کند. از این رو وجه معنایی هر ویژگی عامل شناسایی آن تعریف شده که در ارتباطی متقابل، بر کیفیت شکل‌گیری یکدیگر تأثیر می‌گذارند. گشایش‌های فضایی، عناصر شاخص و کاربری‌های عمومی، در پیوند باهم عمل کرده و زمینه مکان‌یابی و شکل‌گیری مراکز محله فراهم می‌گردد. چیدمان عناصر نیز در هماهنگی با نظام توده و فضا، با تناسبات و ساختار بدنه گذر، تعامل داشته تا از این طریق مسیر حرکتی و کارکردهای آن ایجاد شود. علاوه بر این رابطه میان اجزا، کلیت گذر نیز بر اساس ویژگی‌ها، معنا و مفهوم یافته و شکل نهایی فضای عمومی گذر، در هماهنگی با محله و شهر صورت‌بندی می‌شود. به بیان کلی جنبه عمومی این فضا و اهداف مربوط به آن، در نسبت میان ارتباط کالبدی و معنایی اجزا و کلیت گذر محقق می‌شود.

• تبیین هویت فضای عمومی از طریق رابطه جز و کل

هماهنگی میان اجزای یک مجموعه و ادراک آن‌ها به‌صورت یک واحد، احساسی از وحدت را به همراه دارد. زمانی یک مجموعه تبدیل به یک کل واحد می‌شود که اجزای آن بتوانند

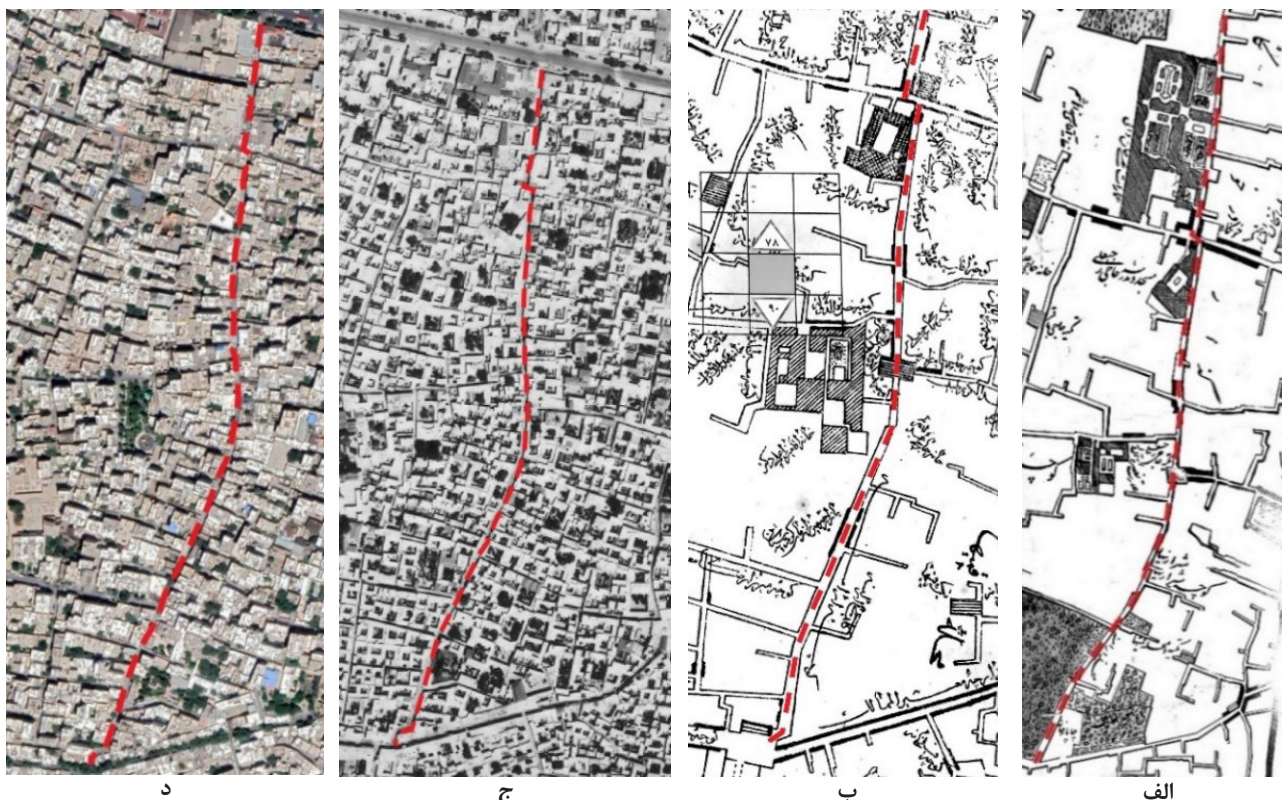


تصویر ۵. موقعیت فعلی محله سنگلج در ناحیه ۳ منطقه ۱۲ شهر تهران. مأخذ: www.region12.tehran.ir

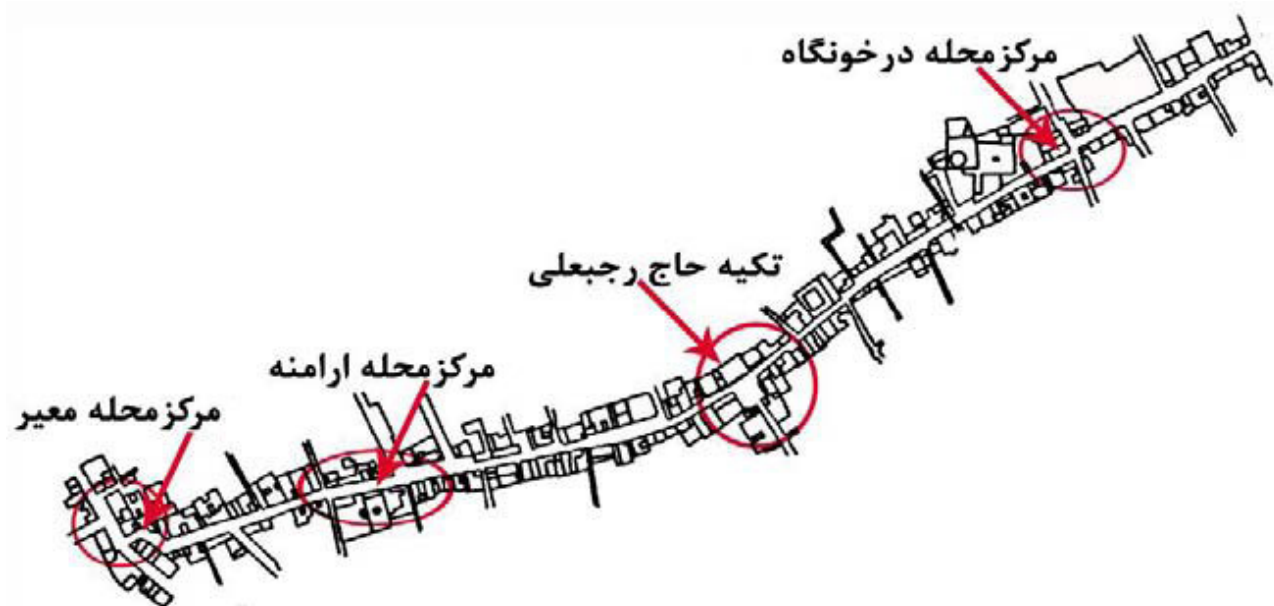


تصویر ۶. مسیرها و شبکه‌های ارتباطی موجود در محله سنگلج و استخوان‌بندی آن مبتنی بر دو گذر اصلی. مأخذ: نگارندگان.

(رضوی، ۱۳۸۶، ۱۹۳) که موجب شکل‌گیری سه مرکز محله و یک فضای باز شهری (تکیه حاج رجبعلی) شده است (تصویر ۸). این فضاها به‌واقع با جانمایی مجموعه از کارکردهای جمعی نظیر فضاهای تجاری، مذهبی، فرهنگی و فضای سبز، عمده نیازهای ساکنین بافت را تأمین و در شبکه ارتباطی گذر درخونگاه جانمایی کرده است.



تصویر ۷. تحولات گذر درخونگاه از ابتدای شکل‌گیری تا به امروز، الف: گذر درخونگاه، نقشه کرشیش (۱۲۷۵ ه.ق.)، ب: گذر درخونگاه، نقشه عبدالغفار (۱۳۰۹ ه.ق.)، مأخذ: شیرازیان، ۱۳۹۵. ج: گذر درخونگاه در نقشه هوایی سال ۱۳۳۵. مأخذ: سازمان نقشه‌برداری. د: گذر درخونگاه وضع موجود. مأخذ: www.earth.google.com/web



تصویر ۸. مراکز محله واقع شده در محدوده گذر درخونگاه. مأخذ: رضوی، ۱۳۸۶، ۱۳۹۳.

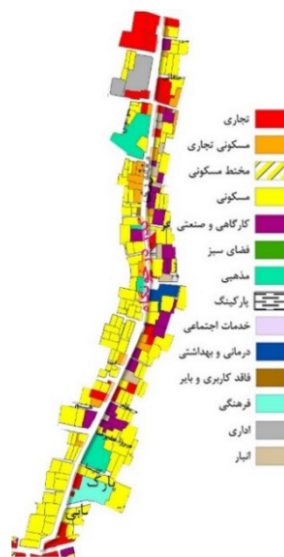
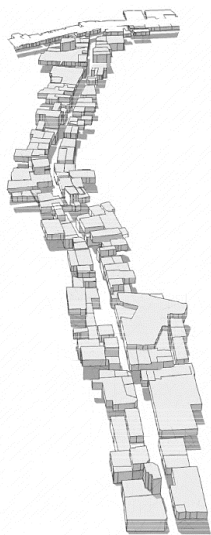
فعالیت‌ها تشکیل شده است. این نحوه هم‌نشینی وحدتی را در اجزا محقق ساخته است که شیوه تعاملات درون‌محله‌ای و معانی فضایی آن را تعیین می‌کند. ارتباطی که اجزا با یکدیگر و با سطح کلان گذر برقرار می‌کنند، نوعی از سکانس‌بندی مسیر را به صورت دیالکتیک حرکت-مکث فراهم آورده که

در راستای هدف خاصی باهم همکاری داشته و به شکل یک کل بازشناسی شوند (پاکزاد، ۱۳۹۹، ۴۳۱). مطابق بررسی ابعاد مختلف گذر در جداول ۱ و ۲، گذر درخونگاه از پیوند مسیر به‌عنوان رکن اصلی و سه مرکز محله و یک فضای باز شهری، به‌عنوان کانون‌های نیرومند و اجزای تعیین‌کننده کنش‌ها و

تحلیل جایگاه گذرهای تاریخی در ساختار فضاهای عمومی شهر

جدول ۱. بررسی ویژگی‌های کالبدی فضای گذر درخونگاه در نسبت با کلیت آن. مأخذ: نگارندگان، برگرفته از منابع و برداشت‌های میدانی.

ویژگی	کاربری‌ها و چیدمان	تناسبات	بدنه‌ها	توده و فضا
تجزیه	کاربری غالب گذر مسکونی است. چیدمان کاربری‌ها در مجاورت ابنیه مهم و در تقاطع با معابر دیگر و ابتدا، انتها و میانه گذر قابل توجه است.	گذر درخونگاه، معبری طولی است که عرض آن بین ۳ تا ۱۰ متر در نوسان بوده و با هر بخش فضایی، متفاوت است.	جداره گذر از مجموعه ابنیه ریزدانه و غالباً فرسوده با ارتفاع بین یک تا چهار طبقه تشکیل شده است که مصالح غالب آن‌ها آجر است.	معابر از درون توده‌ها به گذر متصل می‌شوند و گذر فضای باز شهری و اتصال توده‌ها به گشایش‌های فضایی و دیگر معابر اصلی را تأمین می‌نماید.



تصویر

کرده، محل به هم رسیدن تقابل‌ها بوده، تنش‌ها را کاهش داده و تعادل را در شهر ایجاد می‌کند (نوری، ۱۴۰۰). باز نمود این مشخصه در ساختار گذر درخونگاه، به صورت نحوه اتصال کوچه‌ها به مثابه عرصه‌های درونی بافت، به فعالیت‌های عمومی جاری در مراکز محله است که توسط مسیریابی گذر شکل می‌گیرد. در واقع گذر ضمن ایجاد پیوند میان دو حوزه فضایی، بین کارکرد عمومی جاری در مراکز محله و عرصه‌های درونی و سکونت کوچه‌ها از طریق مسیر، فاصله ایجاد کرده است، تا از رویارویی بدون واسطه و تداخل عملکردی آن‌ها جلوگیری شود. از طرف دیگر گذر با برقراری پیوند میان معابر فرعی، فرصت اتصال همگانی و بهره‌مندی فضایی را برای ساکنین بافت فراهم می‌کند. به تعبیری در این نحوه ارتباط و هم‌نشینی، انفعال و اتصال هم‌زمان سکونت و فعالیت عمومی به وضوح قابل مشاهده است (تصویر ۱۰).

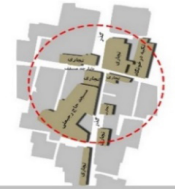







• ارتباط مؤلفه‌های فضای عمومی و ویژگی‌های گذر درخونگاه در راستای ارائه خوانشی معاصر نسبت به مسئله فضای عمومی گذرهای تاریخی، ویژگی‌های بررسی شده، می‌تواند مبنای تحلیل مؤلفه‌های فضای عمومی باشد. دسترسی، یکی از محورهای عملکردی فضای عمومی است که تراکم، ارتباط مستقیمی با بهبود آن دارد (لینچ، ۱۳۹۴، ۲۵۳-۲۵۴). گذر

با الگویی از رویدادها به واسطه هسته‌های مذهبی، تجاری و مسکونی همراه است و رابطه جز و کل، متأثر از آن سازماندهی می‌شود. این شیوه تعامل مسیر گذر و عملکرد مراکز محله، در واقع صورت کالبدی و عینی از الگوی رویدادها را شکل داده است؛ الگویی که به بیان الکساندر، هر شهر، هر محله و هر بنا، مطابق فرهنگ غالب خود مجموعه خاصی از آن را داشته و هویت هر مکان بدان وابسته است (الکساندر، ۱۳۹۶، ۵۲ و ۵۷) که نهایتاً به پیدایش یک کل منجر می‌شود (مقدم درودخانی، رشید کلویز، کریمی آذری و اکبری، ۱۴۰۰، ۱۸۷). لذا هم‌سویی وحدت اجزا و توالی رویدادها در نظام کالبدی و معنایی گذر درخونگاه، زمینه‌ساز هویت‌بخشی به فضای عمومی گذر شده است. چگونگی تحقق این هویت از خلال رابطه جز و کل در تصویر ۹ به نمایش درآمده است.

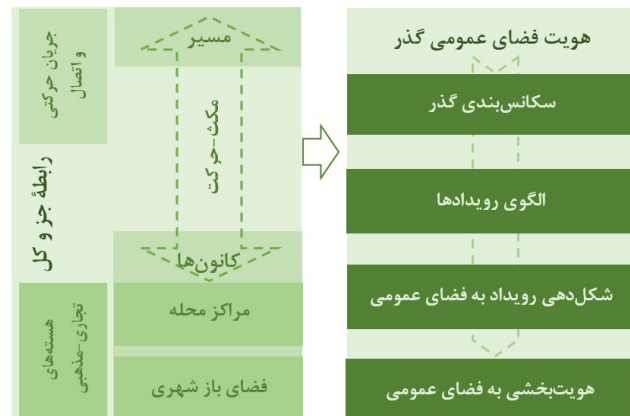
• دوگانه انفصال و اتصال؛ گذر درخونگاه به مثابه فضای عمومی مفصلی

از ویژگی‌های مستتر در سازمان کالبدی فضای گذر درخونگاه، خصلت مفصلی آن است که مکث و حرکت را توأمان برقرار داشته و با فاصله‌گذاری میان فعالیت‌ها و اماکن سکونت، به کارکرد عمومی فضا، تعادل می‌بخشد. این ویژگی به شکل ذهنی و عینی، اتصال و انفصال بین فضاهای مختلف را فراهم

جدول ۲. بررسی ویژگی‌های کالبدی فضایی گذر در نسبت با اجزا آن (مراکز محله). مأخذ: نگارندگان، برگرفته از منابع و برداشت‌های میدانی.

کاربری‌ها	عناصر شاخص	گشایش‌ها	پلان قرارگیری	تصویر
تجاری مسجد تکیه کتابخانه	-مسجد حاج رجبعلی -تکیه درخونگاه -بازارچه سرپوشیده	-تقاطع دو معبر -مجاورت ورودی مسجد		
تجاری کلیسا	-کلیسای سورپ گئورگ	ندارد		
تجاری خدمات عمومی صنعتی پارک	-درخت‌های کهن سال -بوستان دکتر حسابی	-تقاطع دو معبر گذر درخونگاه و گذر معیر		
حسینیه تجاری حمام	-حسینیه مکتب‌الرضا	-تقاطع دو گذر مستوفی و گذر درخونگاه		

لذا شبکه‌ای از مسیرها، ارتباطات فضایی آن را تأمین می‌کند. پیوستگی فضای عمومی، ایجاد پیوند میان بخش‌های مختلف است که توده‌ها در آن با شکل دادن به فضاهای باز همگانی، ساختاری پیوسته را دنبال می‌کند (Trancik, 1986, 98). بر مبنای نقشه توده و فضا، بافت فشرده گذر درخونگاه، ضمن حفظ ساختاری سنتی و فراکتال، هم‌نشینی متعادل را سامان بخشیده و محصوریت فضاها در بافت آن قابل‌رؤیت است. با توجه به این نظام توده و فضا، سلسله‌مراتب فضایی گذر، با ایجاد ارتباط میان فضاهای سکونتی و عمومی قابل‌مشاهده است. گذر، بر اساس توالی اتصال کوچه‌ها و معابر فرعی به بدنه آن سازمان یافته است که ارتباط با فضای عمومی، با عنایت به تقابل این فضاها، کوچک و بزرگ صورت می‌گیرد. در توالی فضاها، عملکردهای متفاوت مذهبی، تجاری، مدنی و سرگرمی با یکدیگر ترکیب شده تا احساس حضور تقویت گردد (چپمن، ۱۳۹۴، ۱۱۰)؛ بر اساس نظام چیدمان عناصر گذر، ورود به فضای عمومی، ترکیبی از این کاربری‌های جمعی را محقق می‌سازد. اختلاط کاربری با پخش کاربری‌ها در رابطه است که موجب پخش نیازها با سلیقه‌های گوناگون شده و انواع خدمات منحصربه‌فرد شهری در روندی خود به خودی



تصویر ۹. شکل‌گیری هویت فضای عمومی گذر درخونگاه از طریق ارتباط جز و کل. مأخذ: نگارندگان.

درخونگاه با ساختاری فشرده و متراکم، فاصله بین توده‌ها و فضاهای عملکردی را کم کرده که سهولت دسترسی را به دنبال دارد. کیفیت دسترسی نیز با نحوه سیر کلاسیون و ارتباطات فضایی در رابطه است (مهوری، قلعه‌نوعی و مختارزاده، ۱۳۹۹، ۴۸). نظر به تناسب فضایی، این گذر با الگویی ارگانیک و در نسبت با نقاط عطف، معابر دیگر و نظام حرکت پیاده شکل گرفته است.



تصویر ۱۰. انفصال و اتصال هم‌زمان فضایی به‌واسطه گذر و تعادل بخشی از نحوه ارتباط میان سکونت و فعالیت. مأخذ: نگارندگان.

امتداد نماها و تقاطع فضایی با فضای دیگر، فرصت‌هایی برای انجام چنین فعالیت‌هایی هستند. قرارگیری در لبه هر فضا، امکانی برای بررسی آن فراهم آورده و رویدادها از آن‌ها به سمت مرکز فضای عمومی رشد می‌کنند (گل، ۱۳۹۶، ۱۹۴). مطابق آنچه در بدنه‌های جانبی گذر قابل‌رؤیت است، عناصر ریزدانه شهری، با اتصالی بی‌واسطه به فضای عمومی گذر، مانع شکل‌گیری فضایی واصل و میانی را در جهت مکث در محیط شهری شده‌اند. تنها می‌توان گشایش‌ها و تأثیر فضایی ابنیه شاخص و کاربری‌های جمعی در مراکز محله را فرصتی مناسب در این راستا قلمداد نمود. با توجه به این تحلیل‌ها، ارتباط هر مؤلفه فضای عمومی با ویژگی‌های گذر در تصویر ۱۱ آمده است.

• تبیین کیفیت‌های فضایی گذر مؤثر بر تحقق فضای عمومی

چگونگی نقش‌آفرینی گذر در فضاهای عمومی را می‌توان از خلال کنش این عنصر شهری با تلقی‌های مختلفی که از نظام کالبدی و معنایی شهر دریافت می‌گردد، تحلیل کرد. مطابق آنچه موردبحث واقع شد، گذر یک فضای تاریخی تک‌بعدی در سازمان شهری امروز نیست، و ابعاد مختلفی از مواجهه را در بر گرفته، که هر کدام با تأثیرگذاری بر کیفیت فضای شهری، نوعی خاص از تعاملات و مناسبات شهرنشینی را در پی دارند. از سنتز چهار حوزه مطالعاتی بررسی‌شده در این بخش از پژوهش، کیفیت‌های مستتر در گذر درخونگاه که بر چگونگی ظهور و بروز فضای عمومی در شهر اثرگذار هستند، تبیین می‌گردد. این کیفیت‌ها شامل: ارتباط کالبدی و نسبت معنایی فضای عمومی گذر، هویت‌بخشی و تعادل بخشی به

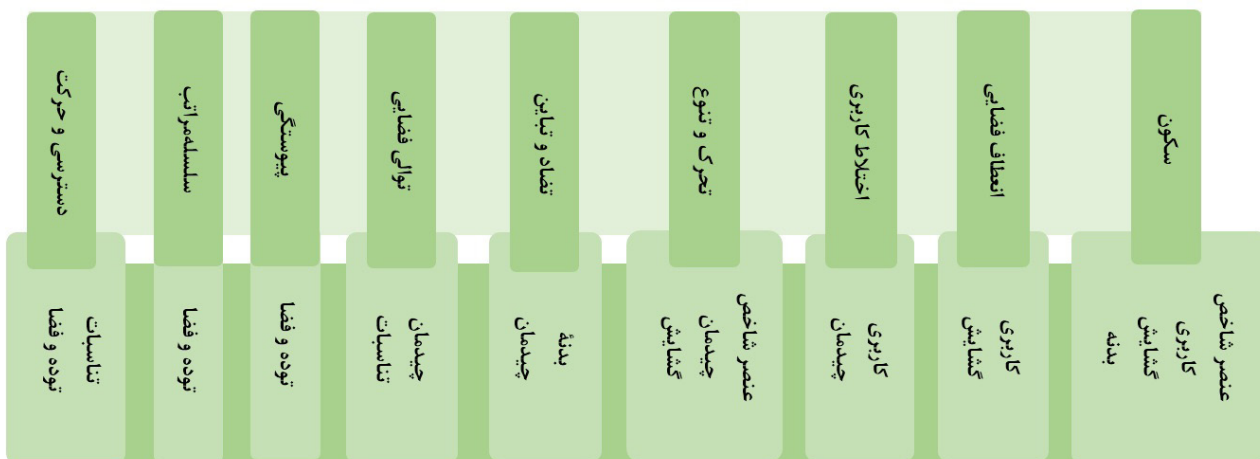
شکل می‌گیرند (جیکوبز، ۱۳۹۸، ۱۷۳). از نظام چیدمان عناصر در گذر درخونگاه و نحوه جانمایی کاربری‌ها، می‌توان دریافت که اختلاط کاربری‌ها بیشتر معطوف به مراکز محله است که با گردهم آوردن چند کاربری، بخش عمده‌ای از نیاز شهری را تأمین می‌کنند. تضاد بیانگر محتوای معماری مانند سبک بنا و چیدمان است که موجب ایجاد حوزه‌های همسایگی قابل تشخیص می‌شود (شیروانی، ۱۳۹۸، ۱۴۷). همچنین تضاد بین خیابان‌های باریک و فضاهای عمومی وسیع‌تر، بین مناطق شلوغ و کنج‌های ساکت و بین کاربری‌های رسمی و معمولی مدنظر است (تیبالدز، ۱۳۸۷، ۲۴). با توجه به الگوی بدنه‌ها و چیدمان گذر، هم‌نشینی عناصر ریزدانه با فضاها و کاربری‌های عمده شهری، مصداقی از این تضاد است که با تقابل میان فضاهای اتصال‌دهنده و فعالیت‌ی همراه است. با نظر به تعاریف تنوع و تحرک در فضای عمومی، در گذر درخونگاه ابنیه شاخص که وجه تاریخی نیز دارند، به محیط شهری تنوع بخشیده و چیدمان کاربری‌ها به‌ویژه در مراکز محله و گشایش‌های فضایی موجود در هم‌جواری آن، پویایی را به همراه داشته است. فضاهای انعطاف‌پذیر، حق‌گزینش بیشتری را به مردم می‌دهند. در فضاهای همگانی این خود فعالیت‌ها هستند که به‌عنوان یک عامل پشتیبان مهم برای دیگر فعالیت‌ها عمل می‌کنند (Bentley, 1985). کاربری‌ها و گشایش‌ها می‌توانند این انعطاف فضایی را به‌خوبی توصیف کنند. گشایش در گذر درخونگاه بیشتر معطوف به مراکز محله است که در برخی از مواقع سال کاربردهای متنوعی به خود می‌گیرند (نظیر عزاداری). سکون نوعی تلقی از فضا است که با مکث و نشستن در امتداد تعاملات اجتماعی عمل می‌کند.

حافظه تاریخی غنی، ارتباط مناسب با نظام توده و فضای مجاور و رویدادهای اجتماعی و تاریخی نظیر مراسم عزاداری، می‌تواند رویکردی مناسب در برنامه‌ریزی و طراحی شهری این محدوده فراهم آورد که مبنایی در جهت مواجهه با فرایندهای توسعه شهری چند دهه گذشته و دگرگونی حاصل از آن باشد تا از خلال آن حیات اجتماعی در این معبر تاریخی مجدد جاری شده و اهمیت پیشین خود را بازیابد. در این راستا مباحثی که می‌تواند در توسعه‌های آتی بافت گذر در نظر گرفته شود، بدین شرح است: توجه به فضای عمومی گذر در تناسب با کلیت آن علاوه بر مراکز محله، ایجاد حریم عابر پیاده با کاهش ورود اتومبیل و تأمین دسترسی مناسب، توجه به حیات جمعی در مرمت ابنیه تاریخی بافت، حذف کاربری‌های نامناسب و آسیب‌زننده به فضای شهری نظیر انبارها و کارگاه‌های صنعتی، ایجاد گشایش‌های فضایی در طول مسیر گذر، توجه به فضای سبز و افزایش خدمات عمومی شهری. با عنایت به یافته‌های این پژوهش، فضاهای عمومی شهر نظیر گذرهای تاریخی، جایگاهی ویژه در گفتمان‌های شهری معاصر دارند. این نقش از طریق مجموعه‌ای از کیفیات (نظیر کیفیت‌های مورد اشاره در این تحقیق)، ظاهر می‌شود که به‌مثابه ارزش‌افزوده‌ای، فضای عمومی را در فرایند معماری، طراحی شهری و شهرسازی از سایر فضاهای موجود در شهر متمایز می‌کند. این ارزش، با مفاهیمی عینی و ذهنی، فضا را زنده کرده و ضمن جذب اقشار مختلف مردم، امکان کنش‌های متنوع جمعی را فراهم آورده و محیط‌های کالبدی شهری را بهبود می‌بخشد. بر همین مبنای، فضای عمومی با پررنگ جلوه‌دادن بعد انسانی در طراحی شهری، نوع نگاه به فضاهای شهر از خرد تا کلان را در هماهنگی با سایر نظام‌های معنایی و کارکردی شهر بازتعریف می‌کند.

فضای عمومی گذر و کارکرد عناصر کالبدی آن در تبیین فضای عمومی است که بر اساس آن‌ها جایگاه گذر تاریخی درخونگاه در ساختار فضاهای عمومی شهر استنباط می‌شود. این فرایند در مدل تصویر ۱۲ ارائه شده است.

نتیجه‌گیری

تمرکز اصلی این پژوهش معطوف به واکاوی اهمیت مفهومی و کارکردی گذرهای تاریخی در فضاهای عمومی شهر معاصر از نقطه‌نظر حوزه‌های مطالعاتی مختلف بود. در پاسخ به پرسش اول پژوهش، آنچه مسیر گذر را در پیوندی کاملاً محرز با فضای عمومی قرار می‌دهد مجموعه‌ای پیوسته حاصل از ویژگی‌های کالبدی گذر (بدنه، توده و فضا، چیدمان، گشایش، عنصر شاخص، تناسبات و کاربری‌ها) و مؤلفه‌های ساختاری فضای عمومی مرتبط با آن (دسترسی و حرکت، سلسله‌مراتب، توالی فضایی، پیوستگی، اختلاط کاربری، انعطاف فضایی، تضاد و تباین، تحرک و تنوع و سکون) است. در پاسخ به پرسش دوم نیز با واکاوی زمینه‌های مطالعاتی برآمده از ماهیت فضایی و معنایی گذر تاریخی درخونگاه، کیفیت‌های فضایی مؤثر بر فضای عمومی در بستر این گذر استخراج گردیده است. این کیفیت‌ها شامل: ارتباط کالبدی و نسبت معنایی فضای عمومی گذر، هویت‌بخشی و تعادل‌بخشی به آن و کارکرد عناصر کالبدی گذر در تبیین فضای عمومی است و با کنشی پیوسته در نظام کالبدی و فضایی شهر، گذر تاریخی درخونگاه تهران را به‌مثابه یک فضای عمومی شهری مطرح می‌سازد که در هم‌نشینی مراکز محله، فضاهای باز و مسیر حرکتی آن قابل مشاهده است. این کیفیت‌های فضایی، به همراه قابلیت‌های دیگری نظیر: عناصر شاخص تاریخی جاذب جمع، ریز فضاهای باز شهری،



تصویر ۱۱. تحلیل ارتباط مؤلفه‌های فضای عمومی با ویژگی‌های کالبدی-فضایی گذر. مأخذ: نگارندگان.

تحلیل جایگاه گذرهای تاریخی در ساختار فضاهای عمومی شهر



تصویر ۱۲. مدل مفهومی تحلیل جایگاه گذر در خونگانه در ساختار فضاهای عمومی بر اساس کنش کالبدی-فضایی آن. مأخذ: نگارندگان.

فهرست منابع

- ابرقویی فرد، حمیده و منصور، سید امیر. (۱۴۰۰). بازخوانی مؤلفه‌های سازنده سازمان فضایی شهر ایرانی پس از اسلام در سفرنامه‌های قرن نهم تا چهاردهم هجری قمری. منظر، ۱۳(۵۵)، ۲۰-۲۹.
- ارباب زادگان هاشمی، سید علیرضا و رنجبر، احسان. (۱۳۸۸). بازخوانی مفهوم تضاد در ارتقا تنوع بصری فضاهای عمومی شهری؛ نمونه‌موردی: میدان بهارستان تهران. آرمان‌شهر، ۳، ۴۹-۵۶.
- استقلال، احمد؛ اردشیری، مهیار و اعتصام، ایرج. (۱۳۹۵). تبیین شاخص‌های طراحی فضای شهری اعطاف‌پذیر با بهره‌گیری از مدل دلفی. مدیریت شهری، ۴۵، ۲۳۹-۲۶۴.
- اسمعیل‌پور، نجمه؛ کارآموز، الهام و فخارزاده، زهرا. (۱۳۹۴). ارزیابی اختلاط کاربری در فضای شهری خیابان و راهکارهای ارتقای آن (مورد نمونه: خیابان کاشانی در بافت میانی شهر یزد). تحقیقات جغرافیایی، ۲۰(۳)، ۱-۲۴.
- اسمعیلیان، سحر و پورجعفر، محمدرضا. (۱۳۹۲). در جستجوی معیارهای شکل‌دهنده شبکه فضاهای شهری در بافت‌های تاریخی ایران؛ نمونه‌موردی: اصفهان، دردمشت. مدیریت شهری، ۱۱(۳۱)، ۶۵-۸۲.
- اشرفی، یوسف؛ پوراحمد، احمد؛ رهنمایی، محمدتقی و رفیعیان، مجتبی. (۱۳۹۳). مفهومی‌سازی و گونه‌شناسی فضای عمومی شهری معاصر. پژوهش‌های جغرافیایی برنامه‌ریزی شهری، ۲(۴)، ۴۳۵-۴۶۴.
- الکساندر، کریستوفر. (۱۳۹۶). معماری و راز جاودانگی؛ راه جاودانه ساختن (ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی). تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- برخوردار، بابک؛ زارع، لیلیا و مختاباد امرئی، سید مصطفی. (۱۳۹۹). واکاوی معیارهای مطلوبیت در فضاهای جمعی اصفهان عصر صفوی نمونه‌موردی: فضاهای جمعی بافت تاریخی اصفهان. منظر، ۱۲(۵۰)، ۱۶-۲۷.
- پاکزاد، جهان‌شاه. (۱۳۸۵). مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری. تهران: انتشارات شهیدی.
- پاکزاد، جهان‌شاه. (۱۳۸۶). راهنمای طراحی فضاهای شهری در ایران. تهران: شرکت طرح و نشر پیام سیما (وزارت مسکن و شهرسازی، معاونت معماری و شهرسازی).
- پاکزاد، جهان‌شاه. (۱۳۹۹). الفبای کیفیت‌های فضایی برای طراحان. تهران: آرمانشهر.
- یوبان، امیر احسان؛ قنبران، عبدالحمید و حسین‌زاده، عباس. (۱۳۹۹). بازخوانی نقش عناصر بصری ادراکی گذرهای تاریخی یزد به‌منظور سامان‌دهی نظام ادراکی شهروندان. مرمت و معماری ایران، ۱۰(۲۱)، ۷۱-۸۵.
- پیروالی، مرجان و سهیلی، جمال‌الدین. (۱۳۹۶). کیفیت فضای بینابین در گذرهای تاریخی؛ نمونه موردی: گذر ساغر یسازان شهر رشت. معماری شهرسازی ایران، ۱۳، ۳۳-۴۸.
- توسلی، محمود. (۱۳۶۹). اصول و روش‌های طراحی شهری و فضاهای مسکونی در ایران. ج. اول. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی، معاونت شهرسازی و معماری.
- توسلی، محمود. (۱۳۸۲). اصل ارتباط در طراحی شهری. هنرهای زیبا، ۱۴(۱۴)، ۲۳-۳۹.
- توسلی، محمود. (۱۳۹۵). قواعد و معیارهای طراحی فضای شهری. تهران: دانشگاه تهران. به سفارش معاونت معماری و شهرسازی وزارت راه و شهرسازی.
- تولایی، نوین. (۱۳۸۱). شکل شهر منسجم. صفه، ۱۲(۴-۳)، ۵-۱۹.
- تیبالدز، فرانسیس. (۱۳۸۷). شهرهای انسان‌محور؛ بهبود محیط عمومی در شهرهای بزرگ و کوچک (ترجمه حسن علی لقای و فیروزه جدلی). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- جیکوبز، جین. (۱۳۹۸). مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی (ترجمه حمیدرضا پارسی و آرزو افلاطونی). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- چپمن، دیوید. (۱۳۹۴). آفرینش محلات و مکان‌ها در محیط انسان‌ساخت (ترجمه شهرزاد فریادی و منوچهر طبیبیان). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- چرخچیان، مریم و دانشپور، سید عبدالهادی. (۱۳۸۸). بررسی مؤلفه‌های طراحی فضاهای عمومی پاساژ. جغرافیا و برنامه‌ریزی، ۱۴(۳۰)، ۵۳-۸۵.
- حاجیان، نیوشا. (۱۳۹۸). شناخت مفهوم گذر در تهران نیمه دوره قاجاریه (پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد معماری). دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- حبیبی، سید محسن. (۱۳۸۲). چگونگی الگوپذیری و تجدید سازمان استخوان‌بندی محله. هنرهای زیبا، ۱۳(۱۳)، ۳۲-۳۹.
- حبیبی، سید محسن و پورمحمد رضا، نوید. (۱۳۹۲). فضاهای عمومی و زندگی جمعی در شهر تاریخی ورامین. هویت شهر، ۷(۱۵)، ۵-۱۶.
- حمزه‌زاده، احمد؛ مختاری، داوود و بیگ بابایی، بشیر. (۱۴۰۰). بازشناسی تأثیر ارزش‌های بصری-کالبدی بناهای فرهنگی-تاریخی بر توسعه گردشگری پایدار، نمونه موردی: اصالت‌های کالبدی پیاده‌گذر تاریخی تربیت (کوچه نوبر) تبریز. جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۱۱(۲)، ۱۹۹-۲۱۳.
- داعی‌پور، زینب. (۱۳۹۲). گذر و خانه در بافت سنتی دزفول. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- دانشپور، سید عبدالهادی و چرخچیان، مریم. (۱۳۸۶). فضاهای عمومی و عوامل مؤثر بر حیات جمعی. باغ نظر، ۴(۷)، ۱۹-۲۸.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا. ج. ۱۲. تهران: دانشگاه تهران.
- رضوی، سپیده. (۱۳۸۶). طرح سامان‌دهی محله سنگلج تهران با تأکید بر گذر درخونگانه (پایان‌نامه کارشناسی ارشد منتشر نشده مرمت و احیا و بافت‌های تاریخی). دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

- سلطان‌زاده، حسین. (۱۳۹۲). فضاهای شهری در بافت‌های تاریخی ایران. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- شجاعی، دلارام و پرتوی، پروین. (۱۳۹۴). عوامل مؤثر بر ایجاد و ارتقا اجتماع‌پذیری در فضاهای عمومی با مقیاس مختلف شهر تهران. *باغ نظر*، ۱۲(۳۴)، ۹۳-۱۰۸.
- شعله، مهسا و یوسفی مشهور، سارا. (۱۳۹۸). واکاوی گونه‌شناسانه عنصر گذر در بافت تاریخی شهرهای ایران، مورد پژوهی بافت تاریخی شیراز. *دانش شهرسازی*، ۳(۳)، ۸۳-۱۰۸.
- شوالباخ، گریت. (۱۳۹۵). مفاهیم پایه در تحلیل شهری (ترجمه شادی عزیزی). تهران: فکر نو.
- شیرازیان، رضا. (۱۳۹۵). *اطلس تهران قدیم*. تهران: دستان.
- شیخی، حجت و رضایی، محمدرضا. (۱۳۹۶). ارزیابی کیفیت محیطی فضاهای شهری پیاده‌مدار و پاسخ‌دهی اجتماعی (نمونه‌موردی: خیابان فردوسی شهر ایلام). *پژوهش و برنامه‌ریزی شهری*، ۸(۲۹)، ۸۳-۹۸.
- شیروانی، حمید. (۱۳۹۸). *فرایند طراحی شهری* (ترجمه مریم استادی و فتانه ملک). تهران: فکر نو.
- طبیبیان، منوچهر؛ چربگو، نصیبه و عبدالهی مهر، انیسه. (۱۳۹۰). بازتاب اصل سلسله‌مراتب در شهرهای ایرانی-اسلامی. *آرمانشهر*، ۴(۷)، ۶۳-۷۶.
- ظریف خرم‌دل آزاد، کتابون. (۱۳۸۸). *بازآفرینی شهری*، حفظ ارزش‌های دیروز و توجه به نیازهای امروز؛ نمونه‌موردی: محله سنگلج تهران (پایان‌نامه کارشناسی ارشد منتشرنشده طراحی شهری). دانشکده شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
- غفاری، علی. (۱۳۷۱). مبانی طراحی فضاهای متوالی در معماری شهر. *صفه*، ۲(۴)، ۱۷-۲.
- فارسی، طیبه؛ شاه‌یونیدی، احمد و ناسخیان، شهریار. (۱۳۹۹). اصول سامان‌دهی حفاظت مبنای معابر تاریخی به روش الگوبرداری قیاسی تجارب سازمان‌دهی ایران و سایر کشورها مورد پژوهی: سنجش وضعیت سامان‌دهی یک معبر تاریخی سواره و پیاده‌اصفهان). *مرمت و معماری ایران*، ۱۰(۲۳)، ۸۳-۱۰۰.
- گل، یان. (۱۳۹۶). *زندگی میان ساختمان‌ها؛ کاربرد فضای جمعی* (ترجمه علی اکبری). تهران: پرهام.
- گلکار، کوروش. (۱۳۸۰). مؤلفه‌های سازنده کیفیت در طراحی شهری. *صفه*، ۱۱(۳۲)، ۳۸-۶۵.
- لنگ، جان. (۱۳۹۳). *طراحی شهری* (ترجمه سید حسین بحرینی). تهران: دانشگاه تهران.
- لینچ، کوین. (۱۳۹۴). *تئوری شکل شهر* (ترجمه سید حسین بحرینی). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مارشال، استفان. (۱۳۹۵). *شهرها، طراحی و تکامل* (ترجمه سید حسین بحرینی و آمنه بختیار). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- محسنی، ملیحه و زمانی‌فرد، علی. (۱۳۹۸). *رهیافتی بر خوانش روابط اجتماعی در بافت تاریخی؛ بررسی موردی: گذر تاریخی آقا بزرگ کاشان. نامه معماری و شهرسازی*، ۱۱(۲۲)، ۷۱-۹۰.
- معتمدی، محسن. (۱۳۸۱). *جغرافیای تاریخی تهران*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- مدنی‌پور، علی. (۱۳۹۶). *طراحی شهری، فضا و جامعه* (ترجمه بهناز امین‌زاده و راضیه رضا بیگی ثانی). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- معین، محمد. (۱۳۸۶). *فرهنگ فارسی*. ج. ۲. تهران: انتشارات ادنا.
- مقدم درودخانی، احمد؛ رشید کلپور، حجت‌اله؛ کریمی آذری، امیررضا و اکبری، حسن. (۱۴۰۰). هویت‌یابی مکانی-فضایی عناصر شهری با تأکید بر مؤلفه‌های کالبدی-عملکردی (مطالعه موردی: مسکن بومی جلگه غربی گیلان). *مطالعات ساختار و کارکرد شهری*، ۸(۲۷)، ۱۸۰-۲۰۰.
- منصور، سید امیر و دیزانی، احسان. (۱۳۹۵). *سیر تحول سازمان فضایی شهر قزوین از ابتدا تا دوران معاصر*. تهران: پژوهشکده نظر.
- مهندسین مشاور باوند. (۱۳۸۵). *طرح تفصیلی منطقه ۱۲ تهران (تجدید ساختار مرکز تاریخی)*. ویرایش اول. تهران: مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران.
- مهری، پریسا؛ قلعه‌نوعی، محمود و مختارزاده، صفورا. (۱۳۹۹). سنجش کیفیت فضای شهری براساس معیارهای مکان‌سازی با تأکید بر کیفیت دسترسی. *مطالعات شهری*، ۹(۳۵)، ۴۷-۶۰.
- نجفی، ناصر. (۱۳۸۶). *تهران قدیم*. تهران: انتشارات جاززاده.
- نوری، الهام. (۱۴۰۰). فضاهای مفصلی، راهکاری در پایداری معماری. *اندیشه معماری*، ۵(۹)، ۱۲۰-۱۳۴.
- یزدانفر، سیدعباس. (۱۳۹۳). مقایسه تطبیقی مرمت و احیای سه گذر شهری در یزد با رویکرد نقش مردم و دولت در ساحت کارشناسی. *مرمت و معماری ایران*، ۴(۷)، ۱۰۵-۱۲۲.
- یگانه، منصور و بمانیان، محمدرضا. (۱۳۹۴). *تحلیلی بر ابعاد پیوستگی توده و فضا در عرصه‌های عمومی شهری*. مدیریت شهری، ۱۴(۳۹)، ۴۰۷-۴۲۸.
- Bentley, I. (1985). *Responsive Environments: A Manual for Designers*. Oxford: Architectural Press.
- Cao, J. & Kang, J. (2019). Social relationships and patterns of use in urban public spaces in China and the United Kingdom. *Cities*, 93, 188-196.
- Carmona, M. (2010). Contemporary Public space, Part Two: Classification. *Journal of Urban Design*, 15(2), 123-148.
- Carr, S. (1982). Some Criteria for Environmental form. In S. Kaplan & R. Kaplan (Eds.). *Humanscape: Environments for People*, Ann Arbor, USA: Ulrich's Books, 156-160.
- Carr, S., Francis, M., Rivlin, L. G. & Stone, M. A. (1992). *Public Space*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Lennard, S. H. C. & Lennard, H. L. (1993). Urban Space Design and Social Life. In B. Farmer & H. Louw (Eds.). *Companion to Contemporary Architectural Thought*. New York: Routledge Inc.
- Taipale, K. (2009). *Cities for Sale*. Espoo: Centre for Urban and Regional Studies Publications.
- Trancik, R. (1986). *Finding lost spaces, theories of urban design*. New York: Van Nostrand Reinhold Company.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Manzar journal. This is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

عابدینی، حامد و آیوزیان، سیمون. (۱۴۰۱). تحلیل جایگاه گذرهای تاریخی در ساختار فضاهای عمومی شهر (مورد مطالعاتی: گذر درخونگاه تهران). *منظر*، ۱۴(۵۹)، ۷۴-۸۷.



DOI: 10.22034/MANZAR.2022.299343.2146

URL: http://www.manzar-sj.com/article_149840.html